

ای ایبه آل؟

307

ای ایبه آل؟
 من در چی سبیا
 گامی خراز سده کوه می دور
 گامی درون پیچ و خم دره می زرف
 چون آتوی دجا خطر گشته، می دوم
 در سایه می جنگل انبوه راز ناک
 آنجا که بانگ باد و نوای پرندگان
 آنخته به نعره غولان جنگل
 از هر طرف که راه به بین بست می رسد
 برگشته می دوم
~~از خود گوزان~~

برگه دلیم در آتش غم

از خود گوزان
 همچون کسی که غرق شکر گشته، می دوم
 دبری بت سوی سنگر نوزان سر نوشت
 از جان گذشته، سینه سپر گشته، می دوم

(چنانچه)

ای ایبه آل؟
 من سوی مان چه عائق دگر گشته می دوم!

x x x

لندن
 نوامبر ۱۹۶۲
 ۲۱